نشریه‌ی هنرهای صناعی اسلامی سال اول • شماره ۱ • پاییز و زمستان ۱۳۹۵
صفحات: ۲۱-۳۰
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۰ •• تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰

بررسی تطبیقی طراحی منسوجات ایلخانی ایران و ممالیک مصر در قرون هفتم و هشتم هجری (۱۴-۱۳م.)

فریناز فربود*
استادیار گروه طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)
نوشین دهملائیان
دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)

چکیده

ایران ایلخانی (۶۵۴ تا ۷۵۰ هـق./ ۱۲۵۶ تا ۱۳۳۵م.)، پس از یک دوره کوتاه رکود، به دلیل حمایت مغولان از تولید و تجارت منسوجات گرانبها، با رشد چشمگیری در زمینه طراحی و تولید منسوجات روبرو می‌شود. در حکومت ممالیک مصر(۶۴۸ تا ۹۲۳ هـق./ ۱۲۵۰ تا ۱۵۱۷م.) نیز، به دلیل مقاصد سیاسی، تجاری و اقتصادی و اهمیت قاهره به عنوان مرکز جهان اسلام، توجه به تولید منسوجات فزونی یافت و در این دوران، پارچه و لباس نقش اجتماعی وسیعی را، به‌ویژه در سطح درباری ایفا می‌کرد. در بسیاری از کتاب‌های تاریخی، مورخان مسلمان، راجع به روابط تجاری و فرهنگی ممالیک با تمدن‌های شرقی و تأثیرپذیری منسوجات آنها از سبک و طراحی شرقی به‌ویژه سبک چینی و ایلخانی، سخن به میان آمده است. از اینرو، سؤال پژوهش حاضر این است که چه شواهدی از تأثیر منسوجات ایران ایلخانی قرون هفتم و هشتم هجری/سیزدهم و چهاردهم میلادی بر منسوجات ممالیک معاصر آنها وجود دارد؟ هدف این پژوهش کیفی، پس از بیان ویژگی‌های منسوجات ایلخانان و ممالیک، بررسی زمینه‌های ارتباط سیاسی و تجاری دو تمدن به منظور تبیین زمینه تأثیرپذیری و سپس انتخاب نمونه‌های پارچه نمایشگر تأثیر منسوجات ایلخانی بر پارچه‌های مملوکان مصر، به‌منظور بررسی نحوه تأثیرپذیری از منظر نقش‌مایه‌ها و ترکیب‌بندی بوده است. روش تحقیق به‌صورت تاریخی، توصیفی و تطبیقی است و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و با انتخاب نمونه‌های بارز منسوجات دو دوره، موجود در موزه‌های جهان انجام پذیرفته‌است. نتایج پژوهش نشانگر تأثیرپذیری پارچه‌بافی مملوکان از نمونه‌های منسوجات ایلخانی در زمینه‌ی نقوش، افزایش استفاده از مدالیون‌های ترنجی، بادامی و اشکی شکل و همچنین ترکیب‌بندی‌های جدید، استفاده از قاب‌های توریقی/ طاقی، استفاده از طرح‌های ساقه‌های تاک عمودی و منحنی و ترکیب‌بندی حاشیه ضخیم و مدالیون‌های ترنجی و گل اناری به‌صورت یک دوم به جای منظم و حاشیه های ترکیب شده با مدالیون و خطوط و ترکیب دوگانه مدالیون‌ها است.

واژگان کلیدی:
ایلخانی، مملوکیان، منسوجات اسلامی، نقشمایه، ترکیب‌بندی

* نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول: f.farbod@alzahra.ac.ir

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-24]

مقدمه

در ادوار مختلف تاریخی، همواره منسوجات به‌عنوان یکی از ارکان اقتصادی، مورد توجه حکومت‌ها بوده‌است؛ کالایی ارزشمند و با قابلیت حمل و نقل آسان که حجم بسیاری از واردات، صادرات، مالیات، خراج و هدایای سیاسی را برآورده می‌کرده و به همین دلیل در بین سرزمین‌های گوناگون، مبادله می‌شده‌است (Jenkins,2003: 1-2). همچنین در جهان اسلام، منسوجات گرانبها نقش نمادینی در بیان قدرت سیاسی و زمینه مذهبی داشته و جایگاه مهمی در سازمان بخشیدن به جامعه و ابزاری برای نمایش حقانیت و تعیین معیارهای زیبایی و محرکی برای اقتصاد و توسعه ثروت بوده است (Mackie,2015:12). ساختار تاریخ‌نگاری طراحی منسوجات جهان، ارتباط تنگاتنگی با ساختار تجارت در ادوار مختلف تاریخی دارد و تغییر و تحولات در طراحی منسوجات، پی‌آیند این تحولات محسوب می‌شود. در بسیاری از متون تاریخی شواهد تجارت و ... دیده می‌شود؛ اما کمتر سخنی درباره طراحی منسوجات در آنها وجود دارد (Harris,1993:9-10).

از اینرو، در مقاله حاضر با اتکا به اشاراتی که در متون تاریخی به تجارت و تبادل هدایای میان ایران در دوره ایلخانی (۶۵۴ تا ۷۵۰ هق./ ۱۲۵۶ تا ۱۳۳۵م.) و مملوکان مصر (۶۴۸ تا ۹۲۳ هق./ ۱۲۵۰ تا ۱۵۱۷م.) و تأثیر پارچه‌بافی ایران بر رشد و توسعه هنر- صنعت نساجی مصر شده که در ادامه به تفصیل از آنها سخن خواهیم گفت، در صدد یافتن شواهدی از تأثیرگذاری طراحی منسوجات دوران ایلخانی ایران بر منسوجات ممالیک معاصر آنها هستیم. سنت پارچه‌بافی ایران، به‌ویژه سنت ساسانی، از دیرباز بر پهنه‌های وسیعی از دنیای کهن تأثیرگذار بوده و شواهد این تأثیر را می‌توان در مصر دوران قبطی (Eastman,1932:28) و فاطمیان (Beckwith, 1989:20-27) مشاهده کرد. اما با تسلط مغولان بر ایران و شکل‌گیری حکومت ایلخانی، هنرهای گوناگون از جمله پارچه‌بافی، دچار تغییرات بسیار گشت؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت از منظر نقش و ترکیب‌بندی، به‌کلی از سنت ساسانی و عباسی که تا آن زمان تداوم یافته بود (فتحی و فربود، ۱۳۸۸، ۵۱-۵۰)، فاصله گرفته و تحت‌تأثیر سبک و طراحی چین دوره مغولی یوآن[1]، سبک جدیدی در منسوجات ایرانی پدید آمد (Komaroff & Carboni,2002: 172-180). مغولان از آنجا که از سودآوری تجارت ابریشم زربفت آگاه بودند، صنعت ابریشم‌بافی و زری‌بافی را به حد اعلا مورد توجه قرار دادند و پارچه نسیج[2]، از بافته‌های معروف آن دوران، تحت حمایت آنها تولید شد (Mack,2001:28-30). دوره ممالیک مصر نیز، به دلیل حمایت از خلیفه عباسی و تبدیل شدن شهر قاهره به مرکز دنیای اسلام (Stilt, 2011: 30–31)، آثار درخشان و باارزشی دارد که نماینده عشق و علاقه سلاطین مملوک به هنر و سازندگی است. یکی از مهم‌ترین هنرهای سلطنت مملوک، پارچه‌بافی بود. ابریشم و زربفت، نقشی مذهبی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی داشت و یکی از کالاهایی بود که بیشترین میزان صادرات، واردات، هدایای سیاسی، پرداخت مالیات و خراج به‌واسطه آنها انجام می‌شد (Mackie,2008: 127-129).

با توجه به شواهد تاریخی، مقاله حاضر پس از بررسی مناسبات سیاسی و تجاری ایران ایلخانی و ممالیک مصر در حدفاصل قرون هفت و هشت هجری/سیزده و چهارده میلادی و تبیین زمینه‌های ارتباط دو حکومت، به بررسی منسوجات دو دوره ایلخانی و مملوکان پرداخته است و در نهایت از طریق مقایسه تطبیقی نقوش و ترکیب‌بندی منسوجات ایران و مصر در این دوره، میزان و نحوه تأثیر منسوجات ایلخانی بر منسوجات مملوک را مشخص ساخته است. تحقیق حاضر از نمونه تحقیقات کیفی بوده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی منسوجات برگرفته از موزه‌های جهان انجام پذیرفته و منسوجات از میان نمونه‌هایی انتخاب شده که بیشترین شواهد تأثیر را نشان می‌دهند.[3]

پیشینه پژوهش

در خصوص منسوجات ایلخانی پژوهشگران گوناگونی به حمایت مغولان از توسعه مجدد هنر- صنعت پارچه‌بافی ایران (پطروشفسکی و بویل،۱۳۸۵: ۴۷۶- ۴۷۵، روح‌فر،۱۳۸۴: ۱۵۲- ۱۴۳، طالب‌پور،۱۳۹۲: ۴۵)، نقش آن در مراودات سیاسی و تجاری در این دوران (Mack,2001:28) تغییرات روی داده در سنت منسوجات ایران در این بازه زمانی (محمد حسن، ۱۳۶۳: ۲۳۵، بیکر،۱۳۸۵: ۸۸)و تأثیر پارچه‌های ایلخانی بر پارچه‌های ایتالیا و اروپا (فربود، ۱۳۸۷، ۱۲۱، Mack ,2001, 45, Schoeser, 2007: 42)و پیشینه تأثیرات منسوجات ایران بر منسوجات مصر قبل از ممالیک (پور جعفر و محمودی، ۱۳۸۷، ۱۷، Beckwith, 1989:20-27, Meri, 2006: 174-180, Eastman,1932:28, Harris,2003:71-74) و درباره منسوجات دوره ممالیک از بُعد طراحی و تأثیرپذیری از منسوجات ایران دوره اسلامی (Mackie,1984: 127-146, Mackie,2015:240-276) درباره تأثیر مهاجرت و تجارت ایران بر منسوجات مصر (کونل،۱۳۴۷: ۱۴۱ Scanlon,1987: 51, Mackie,2015:246, Lapidus,1984:175,) اشاره کرده‌اند. فربود (۱۳۸۷) نیز در بررسی ارتباط میان نقوش ایلخانی و منسوجات ایتالیا، به نقش هدایای سیاسی و تجارت ایلخانی و ممالیک در واسطه‌گری این تأثیرپذیری اشاره دارد؛ اما با وجود اینکه موارد فوق ضمن فراهم آوردن زمینه ارتباطی دو منطقه و امکان بررسی تطبیقی را فراهم می‌آورد، تا کنون پژوهش مستقلی در زمینه نحوه تأثیرگذاری منسوجات ایلخانی بر منسوجات ممالیک صورت نگرفته‌است.

روابط ایران عصر ایلخانی و مصر دوره سلطنت مملوکان و تأثیر آن بر منسوجات

حمله مغولان به رهبری چنگیز به آسیای غربی در سال ۶۱۶

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-24]

هق./۱۲۲۰م. آغاز و با فتح کامل ایران توسط اوکتای قاآن در سال ۶۲۸هق./۱۲۳۲م. و شکست اسماعیلیان و تسلط بر نواحی شمال غربی و همچنین انقراض سلسله عباسی در سال ۶۵۶ هق./۱۲۵۸م، توسط هلاکوخان به پایه‌گذاری سلسله ایلخانیان منجر شد (رنجدوست،۱۳۸۷: ۱۱۵) و سرانجام با پایان یافتن پیشروی مغولان به سمت غرب در نبرد عین‌الجالوت(۶۵۸ هق./۱۲۶۰م)، فرات به مرز دائمی میان ایلخانان و ممالیک مصر بدل شد (ولایتی،۱۳۸۶: ۷۳۰). ممالیک[۴] جنگ‌آورانی دلیر بودند که به مدت سه قرن در دو سلسله بحریه (۷۸۴– ۶۴۸ هق./۱۳۸۲– ۱۲۵۰م.) و سلسله برجیه (۹۲۳– ۷۸۴ هق./۱۵۱۷– ۱۳۸۲م.) بر مصر و سوریه حکومت کردند[۵] (شبارو،۱۳۸۰: ۴۹–۱۷). پس از فتح بغداد به دست مغولان در سال ۶۵۶هق./ ۱۲۵۸م. و فرار خلفای عباسی به مصر و پناه دادن ممالیک به آنها و احیای خلافت عباسی در سال ۶۵۸ هق./ ۱۲۶۱م، قاهره به مرکز جهان اسلام بدل شد[۶] (شبارو، ۱۳۸۰: ۱۴۴–۱۲۸). بعد از مقاومت سرسختانه‌ی ممالیک در برابر اقدامات توسعه‌طلبانه‌ی ایلخانان، طولانی‌ترین روابط خصمانه بین طرفین به وجود آمد؛ گونه‌ای که باعث استقرار و تداوم وضعیت جنگی بین دو حکومت به مدت شصت سال گردید. علاوه بر لشکرکشی، کینه‌های گسترده‌ی ایلخانان نسبت به ممالیک مصر و بالعکس[۷]، به اشکال مختلف از جمله زدوخوردهای محدود مرزی، ارسال نامه‌های تهدیدآمیز، اعزام جاسوس، ردوبدل سفرا، تلاش جهت ایجاد سدهای نظامی علیه رقیب و به‌ویژه پناه دادن به فراریان و پناهندگان تداوم یافت. این امواج فرار که در منابع عربی تحت عنوان وافدیه و مستأمنین، به معنای گروه پناه‌خواه‌های فراری شناخته شده‌اند، به سطوح وسیع سواره‌نظام ترک، کرد یا مغول اطلاق می‌شود که از ایران، عراق، آسیای صغیر و مکان‌های دیگر، به قلمرو ممالیک مهاجرت کرده و خواهان حمایت و به‌کارگیری از جانب سلطان مصر بودند. در بین این افراد، تعداد زیادی از هنرمندان و صنعتگران، ازجمله پارچه‌بافان نیز وجود داشتند (Scanlon,1987: 51). به دلیل استیلای مغول بر شرق دور تا بغداد، راه‌های تجاری این مناطق برای ممالیک ناامن گشت و در نتیجه، راه تجاری دریای سرخ و مسیر اقیانوس هند، دریای سرخ، دریای مدیترانه برای تجارت غرب و شرق، اهمیت و رونق یافت که این شکوفایی، موجب رونق اقتصادی مصر در دوره حکومت بیبرس گشت[۸]. منسوجات اسلامی ممالیک که در شرق فروخته می‌شدند، الهام‌بخش بافندگان چینی گشتند و چینی‌ها، ابریشم‌های راه راهِ کتیبه‌دار اسلامی مصری را برای فروش در بازارهای اروپای و مصری، کپی می‌کردند (Lapidus,1984:175).

هرچند پس از روی آوردن احمد تگودار، سومین پادشاه ایلخانی به اسلام، روابط ایلخانان با ممالیک مصر بهبود یافت؛ اما این امر دیری نپایید و با مرگ او، ارغون‌خان و گیخاتوخان راه وی را ادامه ندادند(فربود،۱۳۸۷، ۱۱۲). در این زمان به دستور او، منسوجات و لباس‌های زربفت و گرانبهای تولید شده در تبریز، به‌عنوان هدایای سیاسی برای سلاطین ممالیک فرستاده شد(فربود،۱۳۸۷: ۱۱۴). با روی کار آمدن ابوسعید، پسر اُلجایتو، تلاش برای بهبود روابط با ممالیک افزایش یافت و در سال ۷۱۷ هق/۱۳۱۸م از سوی سلطان مصر، هدایای زیادی برای سلطان ابوسعید فرستاده شد. اما تأثیر تجارت منسوجات ایلخانی، درنتیجه افزایش ارتباطات سیاسی و اقتصادی با سلسله‌ی مغولی ایلخانان در ایران، بعد از امضای معاهده‌ی صلح سال ۷۲۳هق./ ۱۳۲۲م. و افزایش جمعیت مغولان در مصر، بر ابریشم‌های ممالیک وارد شد. در همان سال، ابوسعید ایلخان، هفتصد پارچه‌ی مغولی را که در تبریز بافته شده بود، به النصیر محمد قلاوون، به‌عنوان هدیه سیاسی اهدا کرد که حتی در بعضی از آنها عنوان سلطان بافته شده بود. معرفی تکنیک بافت حریر گلدار به جهان اسلام، به مغولان نسبت داده شده است (Mackie,2015:295). روابط تجاری ممالیک با آسیای مرکزی و آسیای شرقی بسیار زیاد بود و نمونه‌های بسیاری از پارچه‌های ابریشمی این دو حکومت مغولی در دست است که برای دربار ممالیک بافته شده‌اند. این ابریشم‌ها سبب تکامل صنعت پارچه‌بافی در هنر زربفت شدند و پارچه‌هایی تحت تأثیر ابریشم‌های مغولی (از نظر طرح نقوش گل‌ها و حیوانات) در قاهره بافته شدند که در غرب خواستار بسیار داشتند (کونل، ۱۳۴۷: ۱۴۱).

همچنین شهر تبریز، ییلاق ایلخانان و محل رسیدن بازرگانانی بود که از شرق به غرب و از غرب به شرق می‌رفتند. بازرگانان از هند، چین، اروپا و مصر برای تجارت به آنجا می‌آمدند (پرایس، ۱۳۷۳: ۹۶). پارچه‌بافان تبریز، هدایای سیاسی مغولان، از جمله هدایایی که به سلاطین مملوک اهدا می‌شد؛ را تهیه می‌کردند (طالب‌پور،۱۳۹۲: ۱۱۶). شهر گرگانج در شمال دریاچه آرال، از مهم‌ترین مراکز تجاری آسیای مرکزی که نقطه‌ی اتصال مسیر شرق به غرب و شمال به جنوب جاده‌ی ابریشم بود، محل تجارت بازرگانان ونیزی، چینی و مملوکان مصری شده بود (Mackie,2015:213).

منسوجات ایلخانی

مغولان بیابانگردانی بودند که تنها چند حرفه از جمله فلزکاری و بافندگی، به‌منظور تولید پارچه‌های مجلل برای لباس‌ها و چادرهایشان که نماد شکوه امپراطوری آنها بود؛ برایشان اهمیت داشت (پرایس،۱۳۷۳، ۹۵) و پس از آشنا شدن با تمدن ایران و چین، از تولید پارچه‌های زربفت حمایت کردند که نمادی از قدرت آنها بود (Mackie,2015:213).

با حمله مغول، بسیاری از مراکز فعال پارچه‌بافی نظیر شوش، شوشتر و ری ویران شدند (روح فر،۱۳۹۲: ۲۹). شهر ری هرگز رونق سابق را پیدا نکرد؛ اما به تدریج، مغولان از جان افرادی که می‌توانستند برایشان خدماتی فراهم کنند، از جمله بافندگان پارچه، می‌گذشتند (Mackie,2015:215). به‌عنوان مثال، پس از تصرف شهر مرو، معترض صنعتگران آن شهر نشدند (محمد حسن،۱۳۶۶: ۲۳۶) و در شمال از کشتار صنعتگران گذشتند (پرایس،۱۳۷۳: ۹۵). پس از دوران رکود نساجی ایران تا دوره غازان‌خان (۶۹۵ هق./ ۱۲۹۵م.) (روح‌فر،۱۳۹۲، ۲۹) وی و جانشینانش، حمایت از صنعتگران را آغاز کردند (محمد حسن،۱۳۶۶: ۲۲). آنها ارتباط تجاری ایران با کشورهای غربی را توسعه دادند (Mackie,2015:212). غازان‌خان تبریز را مرکز علم، هنر و تجارت ساخت و اصلاحات بسیاری در ایران، به‌ویژه در تبریز و شهرهای پیرامون آن پدید آورد(پرایس،۱۳۷۳: ۹۷). اولجایتو شهر سلطانیه را بنیان نهاد و با استقرار هنرمندان و صنعتگران، آن را به یک مکان مهم تجاری تبدیل کرد (فربود،۱۳۸۷: ۱۱۳). شیراز نیز، به واسطه نزدیکی به هرمز و باز شدن راه دریای کهن که به چین می‌رفت، رونق داشت و کالاهای کشورهای اسلامی غربی و کالاهای

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-24]

چینی در آنجا مبادله می‌شد (پرایس،۱۳۷۳: ۱۰۰). یکی از مهم‌ترین اقلام صادراتی ایران، منسوجات کمیاب و ارزشمند ابریشمی بودند که به راحتی حمل‌ونقل و با ارزشی معادل پول، به‌عنوان مالیات و غرامت جنگی پرداخت می‌شدند. ابریشم قسمتی از مالیات‌های کالایی نیز بود (روح‌فر،۱۳۹۲، ۲۹). به‌عنوان مثال در سال‌های دهه ۶۳۰ هق./۱۲۳۰م. خراج را از خلیفه‌ی عباسی در بغداد، به‌صورت طلا، پارچه‌های زربفت و داماسک، دریافت کردند (Mackie,2015:213).

علاقه‌ی مغولان به پارچه‌های زربفت و طلا بسیار بود. طلا به‌واسطه‌ی رنگ، درخشش و تداعی کردن ماه و خورشید که جایگاه ویژه‌ای نزد مغولان داشت، تحسین می‌شد(Mackie,2015:213) و فقط پارچه‌ای را که از رشته‌های طلا و ابریشم بافته شده، می‌توان با قطعیت به ایران عهد ایلخانان منسوب کرد[۹] (بلر، بلوم، ۱۳۸۱: ۳۳). انواع پارچه‌های زربفت پیشین، در دوره ایلخانان رونق گرفت و مغولان استادان زری‌بافی رابه مراکز پارچه‌بافی ایران فراخواندند (روح‌فر، ۱۳۹۲: ۳۱). کارخانجات بغداد با تشویق عطاملک جوینی توسعه پیدا کردند و قسمت عمده هدایای سالیانه او به دربار را پارچه‌های زربفت تشکیل می‌داد (طالب‌پور، ۱۳۹۲: ۱۱۳). به همین دلیل مغولان منسوجات گرانبها و منابع تولید آن‌را کنترل می‌کردند. تحت لوای حکومت آنان، اتحادیه‌های پارچه‌بافان تشکیل شد (طالب‌پور، ۱۳۹۲ :۱۱۶). همچنین خاندان‌های مغول از شرکت‌های تجاری بزرگ مسلمانان حمایت می‌کردند. کار این شرکت‌ها، تجارت بین‌المللی و نیز خرید و فروش منسوجات گرانبها بود (فربود، ۱۳۸۷: ۱۱۴). در حد فاصل حکومت غازان‌خان تا مرگ ابوسعید، تحولات زیادی در زمینه تولید منسوجات از جمله رونق دوباره کشاورزی، تولید مواد خام، پرورش کرم ابریشم، رواج دوباره ابریشم‌بافی در خوزستان، گناباد، خراسان و گیلان، رونق مجدد صادرات، بازسازی سازمان کالا و گسترش تولید از طریق احیای مراکز قدیم پارچه‌بافی همچنین ایجاد مراکز جدیدی همچون تبریز، کاشان، یزد، کرمان، خراسان و به‌ویژه نیشابور رخ داد(فربود،۱۳۸۷: ۱۱۶). همچنین کارگاه‌های پارچه‌بافی در شهرهای تبریز، سلطانیه، یزد، کاشان و نیشابور دایر شدند. البته نیشابور قبل از حمله مغول نیز از مراکز مهم پارچه‌بافی بود که در دوره‌ی ایلخانان کارگاه‌های دیگری به آن افزوده شد (روح‌فر،۱۳۹۲: ۳۰). یزد، مراغه، همدان، قزوین و کاشان برای بازارهای بین‌المللی پارچه تولید می‌کردند و تبریز و اصفهان مراکز تجاری بین‌المللی بودند (فربود، ۱۳۸۷، ۱۱۶). در شهرهای مهم تجاری ایلخانان، ابریشم، یکی از مهم‌ترین کالاهای تجاری مورد توجه بازرگانان اروپایی، چینی و مصری بود (Mackie,2015:215). ویژگی‌های ثابت تکنیکی بافت‌ها، علی‌رغم متنوع بودن مراکز پارچه‌بافی در این دوران، یزد، اصفهان، شیراز، کرمان، بغداد، تبریز، سلطانیه، نیشابور، هرات، گرگانج، بخارا و سمرقند، و وجود کارگاه‌های پارچه‌بافی و طراز حکومتی متعدد در شهرهای مختلف و نظارت دستگاه دولتی بر آنها را اثبات می‌کند(Mackie,2015:213). ایلخانان، بافندگان و طراحان پارچه را به مراکز مهم بافندگی کوچ می‌دادند و همچنین بافندگان از مناطق مختلف را در یک مرکز جمع می‌کردند که باعث تلفیق سبک‌های هنری و تکنیک‌های بافت می‌شد. بنا به گفته‌ی جوینی، «پس از قتل و غارت و خونریزی در گرگانج ... هنرمندان جدا شدند و به کشورهای شرقی فرستاده شدند» (Mackie,2015:213).

مقارن با حکومت ایلخانان مغولی در ایران، خاندان مغولی یوآن در چین حکومت می‌کرد. به‌دلیل خویشاوندی این دو خاندان، روابط فرهنگی، فنی و بازرگانی بین آن‌ها برقرار بود؛ به همین دلیل عده‌ی زیادی از بافندگان چینی به ایران آمدند؛ همچنین ورود کالای چینی و گسترش دامنه تجارت ایران با آن کشور موجب افزایش تأثیر سبک تزیینات چینی در صنعت نساجی ایران گشت (محمد حسن،۱۳۶۶: ۲۳۴) و هنر ایران تحت تأثیر هنر شرق، به‌ویژه هنر سلسله سونگ[۱۰] و یوان قرار گرفت (رنج‌دوست،۱۳۸۷: ۱۱۵). در مقابل، مهاجران اسلامی از جمله بافندگان به چین کوچ کردند و به بافت پارچه‌های ابریشمی مشغول شدند که به کشورهای اسلامی، شرقی و حتی ایتالیا برده می‌شد و تأثیر زیادی در سبک و اسلوب مراکز بافندگی این مناطق ایجاد کرد.

به دلیل همجواری با بافندگان چینی، بافندگان ایرانی، از نقوش تزیینی چینِ دوره‌ی سلسله‌ی یوآن همچون اژدها، ققنوس، حیوانات افسانه‌ای، گل لوتوس و چلیپا شکل و ابرهای چینی، تقلید نمودند (محمد حسن، ۱۳۶۶: ۲۳۵). بافندگان هرات و چین با یکدیگر کار می‌کردند و این موجب ترکیب الگوها و تکنیک‌های چینی و اسلامی گشت (فربود، ۱۳۸۶: ۱۱۶). در انتهای این دوره، منسوجات ایلخانی را می‌توان گونه‌ای ظریف از طراحی‌های چینی به‌صورت متقارن دانست که در قالب ردیف‌هایی متناوب و با حیوانات سنتی اسلامی و اسلیمی‌های گلدار ترکیب شده‌اند(بیکر، ۱۳۸۵: ۸۸) از این‌رو، طراحی پارچه در ایران که پیش از این تداوم سنت ساسانی، یعنی استفاده از مدالیون‌های مدور به‌عنوان عنصر اصلی ترکیب‌بندی و نقوش جانوران و پرندگان و نقشمایه درخت زندگی بود (تصویر ۱)[۱۱] و تا دوران پیش از ایلخانی در ایران و بسیاری از کشورهای اسلامی دوام آورده بود (فتحی و فربود، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۰)، به‌طور کلی دگرگون شد. در نتیجه سلیقه مغولان به تأسی از حاکمان چین و رد و بدل شدن هنرمندان بین این دو منطقه، آنها از طرح‌های متراکم و کمرنگ استفاده می‌کردند (طالب‌پور،۱۳۹۲، ۱۱۴) و پارچه‌هایی با رنگ‌های ملایم و روشن و در تنوع رنگی پایین (تصاویر ۲ تا ۷)، یعنی معمولاً در دو رنگ و به صورت زمینه تیره و نقوش روشن‌تر، تولید می‌کردند (محمد حسن،۱۳۶۶: ۲۳۸).

آنها درون مدالیون‌های توریقی طاقی (تصویر ۳)[۱۲] و بیضی شکل، طرح گل(تصویر ۲)،[۱۳] غنچه، برگ طبیعی و برگ نخلی قرار می‌دادند (دیماند،۱۳۸۰: ۲۴۶). از موضوعاتی که در منسوجات مغولی دیده می‌شود، می‌توان به رواج حاشیه‌های رنگی لباس‌های تزیین یافته با خطوط هندسی مستقیم یا منکسر و یا متقاطع (تصویر ۵)، تزیینات نباتی تغییر شکل یافته، همچون برگ درختانی که از اصل و ریشه درخت می‌رویند و پوشاندن تمامی سطح پارچه و رسم اسلیمی و اشکال آجرهای کاشی (تصویر ۴)[۱۴] اشاره کرد (محمدحسن،۱۳۶۶، ۲۳۷). نقش ترنج‌های چند پره متناوب، لوزی‌های تزیینی، پرندگان اساطیری (تصویر ۵)[۱۵]، حیوانات (تصویر ۷)[۱۶] و وجود کتیبه، از دیگر موضوعات تزیینی رایج دوره‌ی ایلخانان بود (بلر،بلوم،۱۳۸۱: ۳۳). نقش گل اناری (تصویر ۶)[۱۷] نیز دارای منشأ مشخصی نیست و برخی آن را نتیجه ارتباط نقوش چینی و آسیای میانه و بسیاری منشأ آن را ایرانی می‌دانند(Mack,2001:38). در بررسی‌های باستان‌شناسی این دوره نیز، قطعه‌ای از زربفت با کتیبه مرتبط با ابوسعید به‌دست آمده که

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-24]

دارای نوارهای پهن و باریک متناوب و به رنگ خرمایی روشن است که با ترنج و لوزی و نقوش طاووس تزیین شده است و نقوش سفال‌های این دوران نیز نمایش نقوش ستاره‌ای و هندسی مشابه کاشی‌کاری در منسوجات این دوره است (روح‌فر، ۱۳۸۴: ۱۵۳ –۱۵۱).

منسوجات ممالیک

سنت پارچه‌بافی مصر تا پیش از ممالیک را باید تداوم سنت فاطمی در دوران پر تنش ایوبیان دانست. سنت بافت پارچه‌های طراز که با خطوط متعدد نوشتاری و نقش‌مایه‌هایی برگرفته از ایران ساسانی و مدالیون‌های قبطی با نقوش گیاهی و جانوری همراه بود (تصویر ۸)[۱۸]. اما با توسعه توجه مملوکان به تجارت منسوجات، این رویکرد به میزان زیادی تغییر یافت. سلاطین مملوک، به‌ویژه دوره بحری که در قرون هفت و هشت هـ ق./سیزده و چهارده م. بر مصر و شام حکومت می‌کردند، پشتیبان هنرمندان و جنگاوران بودند. در اوایل دوران مملوکان، مراکز مهم تولید پارچه در سوریه، شهرهای حلب و دمشق و همچنین شهرهای بعلبک[۱۹] و اسکندریه[۲۰] بودند. شهرهای مرکز بافندگی دلتای نیل در مصر، به علت عقب‌نشینی صلیبیان و ترمیم خرابی‌های ناشی از آن، از زمان سلسله‌ی ایوبیان به شدت رونق یافت (بیکر،۱۳۸۵: ۷۵). قاهره، پایتخت بیبرس، پناهگاه مردم فراری از سرزمین‌هایی بود که مورد هجوم مغولان قرار گرفته بودند(پرایس،۱۳۷۳، ۸۲). معرفی دوباره دستگاه زری‌بافی در سرزمین ممالیک را به استادان پارچه‌بافی ایرانی و عراقی که پس از حمله مغول به این سرزمین پناه آورده بودند، نسبت می‌دهند؛ که این مقوله از شباهت تکنیک بافت پارچه‌های مملوک به پارچه‌های ایران دوره‌ی سلجوقی، استنباط شده‌است (تصویر ۹)[۲۱]. ورود دستگاه زری‌بافی به مصر، تولید طرح‌های پیچیده و پارچه‌های دولا و سه‌لا را فراهم کرد (Walker,2000:178). بر اساس نوشته‌های ابن خلدون، حتی واژه‌ی فارسی زرکش برای پارچه‌های مملوک بافته شده با ابریشم و طلا، استفاده می‌شده است (Mackie,2015,246). هنرمندان مهاجر، صنایع هنری مملوکان از جمله پارچه‌بافی را با تأثیر از طرح‌های ابریشم‌های ایران، احیا کردند (تصویر ۱۰)[۲۲]. بیشترین تأثیر بر هنر ممالیک، تأثیر ترکیه و ایران بود(Lapidus,1984:175). مهم‌ترین دوره هنری ممالیک در زمان سلطنت سلطان نصیرالدین(۷۶۶– ۷۲۷ هق./ ۱۳۸۸– ۱۳۴۹م.) بود که کارگاه‌های قاهره و دمشق علاوه بر تولید کتیبه، اشیای هنری دیگر از جمله پارچه، فرش و ... نیز تولید می‌کردند (هاگدورن و ولف،۱۳۹۴، ۳۰)

مکتوبات مربوط به منسوجات مملوک بسیار است. منسوجات «مهم‌ترین بخش از ثروت بورژوازی» بودند و در مکتوبات قرون وسطی از آنها به‌عنوان کالای واردات و صادرات یاد و صنعت نساجی در کنار فلزکاری، به‌عنوان تکیه‌گاه اصلی اقتصاد مملوکان معرفی شده است. همچنین محققان بر نقش سیاسی منسوجات مملوک تأکید دارند. تولید لباس توسط کارگاه‌های حکومتی برای مراسم دولتی همچون رژه‌ها، ضیافت‌ها و اهدای مقام در جهان اسلام رایج بود و مملوکان پارچه‌های گرانبها (مخصوصا ابریشم‌های طراز و زرکش) را حتی بیشتر از فاطمیان تولید می‌کردند (Walker,2000:168). صنعت منسوجات ممالیک مصر، از اواسط قرن هفتم هجری قمری/ سیزدهم میلادی تا نیمه دوم قرن هشتم هجری/ چهاردهم میلادی، به اوج خود رسید. هنرمندان توسط دولت به گروه‌هایی، احتمالا اصناف(صنف خیاطان، گلدوزان، بافندگان و ...)، تقسیم می‌شدند و به وسیله‌ی مأمور بازار، محتسب، برای جمع‌آوری مالیات و اطمینان از کیفیت تولید و میزان قیمت و رعایت مسایل اخلاقی، مدیریت می‌شدند.

در دوران ممالیک سبک جدیدی در ابریشم‌بافی، تحت تأثیر کارخانه‌های چینی دوره‌ی مغول‌ها به‌وجود آمد. در کنار کتیبه‌های چند سطری و نوشتاری، طرح‌های اسلیمی، بوته‌های نیلوفر آبی که تحت تأثیر نقوش تزیینی چین بودند (تصویر ۱۱)[۲۳]، رواج یافت (کونل،۱۳۴۷: ۱۴۱). معرفی هنر و نقوش چینی (همچون گل صد تومانی، نیلوفر آبی، ابرها، سیمرغ و طرح‌های گلدار سیال) یکی از تغییرات مشخص در تولید منسوجات بود (تصویر ۱۲)[۲۴]. در همان حال که نقوش شرقی بر هنر مملوکان در اواخر قرن سیزدهم میلادی هویدا شد، حضور پررنگ آنها در سبک تکامل یافته بحری در قرن چهاردهم نیز، به موفقیت بازار صادرات ابریشم یوآن مربوط است (Walker,2000:170).

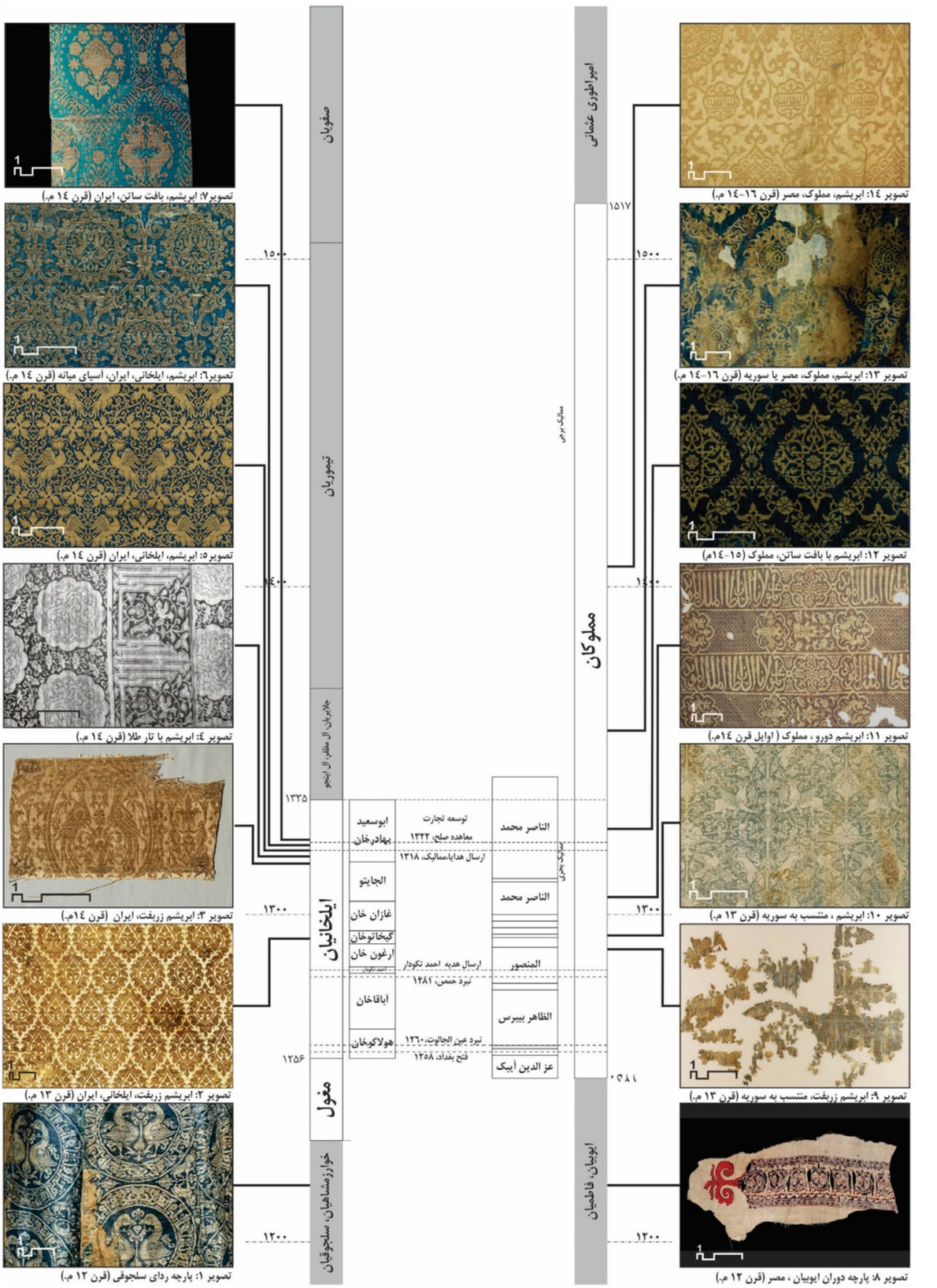
پارچه‌های ابریشمی با تزیینات برگ نخلی، مدالیون‌های بادامی، اشکی، دایره‌ای و ترنجی که با حاشیه‌های طرح طوماری (تصویر ۱۳)[۲۵] پر شده‌اند، تولید می‌شدند. همچنین نقش پرنده و عقاب‌های زوج، گل‌هایی با اسلوب چینی، اژدها، طوطی بر پارچه‌های ابریشمی این دوران دیده می‌شود(دیماند، ۱۳۸۰ :۲۴۲–۲۴۰). مورخان جدید توجه خود را به گزارش اهدای هفتصد بار ابریشم ارسالی از سوی خانِ مغول به سلطان مملوک، به نشانه‌ی پیمان صلح در سال ۷۲۳هق./ ۱۳۲۲م. معطوف داشته‌اند که در نتیجه آن تأثیر سبک طراحی چینی، با امضای معاهده صلح بین ممالیک و مغولان ایلخانی ایران و عراق، در سال ۱۳۲۲م/۷۲۳ه افزایش یافت(Mackie,2015:251).

طراحی‌های آزاد و هماهنگ، اشکال ققنوس، گل نیلوفر آبی و گل داوودی، به‌عنوان اقتباسی از نقوش تزیینی چینی (تصویر ۱۴)[۲۶]، توسط هنرمندان خاور دور بر پارچه‌ها و بلور و فلزات نقش می‌شدند و ممالیک مصر، خواستار این پارچه‌های ابریشمی و زربفت از چین و آسیای میانه (ایران ایلخانی) بودند. به همین دلیل کم‌کم اژدها و طوطی با کتیبه‌های عربی در هم آمیخت و موجب پیوند مشرق و مغرب گشت (پرایس،۱۳۷۳: ۹۲).

بررسی تطبیقی منسوجات ایران ایلخانی و مصر ممالیک

همانگونه که در نمودار ۱ و جدول ۱ می‌توان دید، با پدید آمدن دولت ایلخانی، سنت طراحی منسوجات ایران که برای قرون متمادی تداوم سنت ساسانی محسوب می‌شد، از بُعد نقوش و ترکیب‌بندی دچار تغییرات می‌شود و تغییر در نقش‌مایه‌های جانوری و گیاهی و همچنین ظهور نقش‌مایه‌های ترنجی و گل اناری و نقوش گل‌های صدتومانی و برگرفته از نقوش چینی، سنت طراحی منسوجان ایران را تغییر می‌دهد. در منسوجات ممالیک نیز علی‌رغم تداوم سنت طرازهای چند ردیفی فاطمی و تأثیر آنها بر هنر چین که به منظور صادرات این نقش‌مایه را تکرار می‌کند، این شیوه طراحی به‌واسطه چین وارد ایران شده و با تغییر در ساختار هندسی اولیه و ترکیب با نقوش چینی، دچار تغییر می‌گردد. نظر به متأخر بودن این تغییر، نمی‌توان به‌طور دقیق اظهار نظر نمود که تغییرات این نقش در ادامه دوره ممالیک از ایران ایلخانی نیز تأثیر پذیرفته است یا خیر؛ اما از آنجا که به‌جز اوایل سده چهاردهم، در ادامه منسوجات مملوک این نقش‌مایه تداوم نمی‌یابد،

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-24]

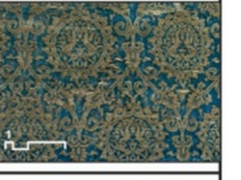
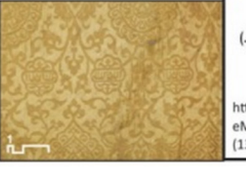


تصویر ۱: پارچه ردای سلجوقی (قرن ۱۲ م.)
تصویر ۲: ابریشم زربفت، ایلخانی، ایران (قرن ۱۳ م.)
تصویر ۳: ابریشم زربفت، ایران (قرن ۱٤م.)
تصویر ٤: ابریشم با تار طلا (قرن ۱٤ م.)
تصویر ٥: ابریشم، ایلخانی، ایران (قرن ۱٤ م.)
تصویر٦: ابریشم، ایلخانی، ایران، آسیای میانه (قرن ۱٤ م.)
تصویر۷: ابریشم، بافت ساتن، ایران (قرن ۱٤ م.)
تصویر ۸: پارچه دوران ایوبیان ، مصر (قرن ۱۲ م.)
تصویر ۹: ابریشم زربفت، منتسب به سوریه (قرن ۱۳ م.)
تصویر ۱۰: ابریشم ، منتسب به سوریه (قرن ۱۳ م.)
تصویر ۱۱: ابریشم دورو ، مملوک (اوایل قرن ۱٤م.)
تصویر ۱۲: ابریشم با بافت ساتن، مملوک (۱۵-۱٤م)
تصویر ۱۳: ابریشم، مملوک، مصر یا سوریه (قرن ۱٦-۱٤ م.)
تصویر ۱٤: ابریشم، مملوک، مصر (قرن ۱٦-۱٤ م.)

نمودار ۱: رویدادهای سیاسی و تجاری ایلخانان و ممالیک و منسوجات منتخب برای تحلیل

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-24]

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-24]

منسوجات ایلخانی	منسوجات ممالیک	نقشمایه	ترکیب بندی	تأثیرپذیری
 تصویر ۲ ابریشم زربفت، ایلخانی، ایران (قرن ۱۳ م.) http://fibercopia.com/tag/iranian-textiles/(1395/10/07)	 تصویر ۹ ابریشم زربفت، سوریه (قرن ۱۳ م.) http://www.metmuseum.org/art/collection/search/445248 (1395/10/07)	تأثیرپذیری از سنت اواخر سلجوقی و مغول، مدالیونهای توریقی طاقی، نقوش اسلیمی، نقوش حیوانی به سنت ساسانی	ترکیب بندی مدالیونهای توریقی با تکرار یک دوم بجای سنت ساسانی	**تغییر در سنت ترکیب نقوش** **تغییر در سنت ترکیب بندی ردیفی طراز**
 تصویر ۳ ابریشم زربفت، ایران (قرن ۱٤م.) http://www.clevelandart.org/art/1945.34(1395/10/07)	 تصویر ۱۰ ابریشم ، منتسب به سوریه (قرن ۱۳ م.) http://www.metmuseum.org/art/collection/search/450741 (1395/10/07)	نفوذ نقوش اساطیری تحت تأثیر خاور دور نفوذ نقوش اسلیمی و گلهای چینی	نفوذ اولیه ترکیب بندی بیضوی شکل تغییر ترکیب بندی و حذف نقوش درون مدالیون ها	**تغییر در ساختار نقوش** **تغییر در ساختار ترکیب بندی** **افزایش ظرافیت و تکنیک بافت** **نتیجه مهاجرت اولیه هنرمندان ایرانی**
 تصویر ٤ ابریشم با تار طلا (قرن ١٤ م.) http://www.smb-digital.de/eMuseumPlus?id=119011&view (1395/10/07)	 تصویر ۱۱ ابریشم دورو ، مملوک (اوایل قرن ١٤م.) http://www.metmuseum.org/art/collection/search/448556 (1395/10/07)	نقوش جانوران رو بهم در درون ساختار طراز نقوش مدالیون های گل مانند چین تأثیر پذیری از نقوش چینی	ترکیب بندی چند ردیفی مملوک/ فاطمی راهیافته به هنر چین و سپس مغول افزایش غنای رنگی ترکیب بندی اولیه تغییر شکل ترکیب مدالیونهای مدور	**تأثیرپذیری هنر ایلخانی از ترکیب بندی مملوک/ فاطمی به واسطه چین** **تغییر ترکیب بندی ردیفی مملوک**
 تصویر ٥ ابریشم، ایلخانی، ایران (قرن ١٤ م.) http://collections.vam.ac.uk/item/O129376/woven-silk-unknown (1395/10/07)	 تصویر ۱۲ ابریشم با بافت ساتن، مملوک (۱۵-۱٤م) http://www.artic.edu/aic/collections/artwork/99500?search_no=2&index=2 (1395/10/07)	استفاده از حاشیه محیط بر مدالیون میانی تقویت حاشیه ها و افزایش ضخامت آنها ترکیب نقوش گیاهی و جانوری در حاشیه	تغییر ساختار ترکیب بندی دوگانه مدالیون/ حاشیه توریقی/ طاقی حاشیه محیط ضخیم و به هم پیوسته	**تغییر ترکیب بندی آزاد چین/ خطی مملوک به ساختار ترکیبی مدالیون و حاشیه ایلخانی**
 تصویر ٦ ابریشم، ایران یا آسیای میانه (قرن ١٤ م.) http://www.clevelandart.org/art/1939.44(1395/10/07)	 تصویر ۱۳ ابریشم، مصر یا سوریه (قرن ١٦-١٤ م.) http://www.metmuseum.org/art/collection/search/450735 (1395/10/07)	استفاده از نقوش گل اناری استفاده از حاشیه های ترنجی و اشکی توسعه استفاده پیچیده از اسلیمی ها برای ایجاد حاشیه های با ضخامت گوناگون	تغییر ترکیب بندی ساده حاشیه به ترکیب بندی های پیچیده تر ترکیب بندی میان نقش میانی و حاشیه ترنجی شکل و فعل و انفعال میان نقش میانی و حاشیه	**تأثیرپذیری از نقش مایه ایرانی گل اناری و ترکیب بندی فعل و انفعالی میان حاشیه محیط و مدالیون میانی**
 تصویر ۷ ابریشم، بافت ساتن، ایران (قرن ١٤ م.) http://www.smb-digital.de/eMuseumPlus?id=112031&view (1395/10/07)	 تصویر ١٤ ابریشم، مملوک، مصر (قرن ١٦-١٤ م.) http://collections.vam.ac.uk/item/O264758/woven-silk/(1395/10/07)	استفاده از مدالیون های دوگانه ترکیب خط و نقوش کاربرد مدالیون های گل اناری و ترنجی	حاشیه های پیچیده و دوگانه استفاده از مدالیون های کوچک در نقطه ترکیب حاشیه ها	**تأثیر پذیری از ترکیب خطوط و نقوش** **تأثیر پذیری از توسعه ترکیب بندی ساده به پیچیده**

باید جایگزینی سنّت ایلخانی مدالیون‌های ترنجی‌شکل و گل اناری را به‌صورت آزاد و با تکرار یک دوم و همچنین نمونه‌های پیشرفته آن را در قالب ترکیب مدالیون‌ها با حاشیه‌های ضخیم و همچنین تقدم یافتن حاشیه‌های مجزا بر نقوش مدالیون‌ها و در نهایت ترکیب‌های پیچیده گیاهی، خطوط و همچنین ترکیب میان حاشیه و مدالیون و توجه به ترکیب‌بندی فضای منفی مابین آنها را باید در زمره تأثیرات ایلخانی بر ممالیک دانست.

در کل می‌توان گفت که سنت طراحیِ منسوجات ممالیک، کمتر از خود نقوش چینی به صورت مستقیم تأثیر پذیرفته است. زیرا ترکیب‌بندی نقوش چین در این دوره، بسیار آزادانه و فاقد الگوی تکرار است و معدود مواردی نیز بیشتر تأثیر کوچ هنرمندان مسلمان به چین محسوب می‌گردد؛ از این‌رو می‌توان به‌طور قطع، واسطه‌گی سنت طراحی و ترکیب‌بندی منسوجات ایلخانی را در این تأثیرپذیری پذیرفت.

نتیجه‌گیری

در دوره‌ی ایلخانی، شاهد تحولات بسیار در حوزه صنعت نساجی ایران، تحت تأثیر سلسله یوآن چین هستیم که ناشی از سلیقه مغولان و تبادل هنرمندان و بافندگان میان دو کشور است که به تغییراتی در نقوش و ترکیب‌بندی منسوجات ایران که تا پیش از این از سنت ترکیب‌بندی ساسانی پیروی می‌کرد، هستیم و در نتیجه آن هنرمندان ایران به مرور شیوه جدید طراحی منسوجات را توسعه داده و سبک ایلخانی ایران را از ترکیب مضامین چینی و اسلامی پدید می‌آورند.

پس از استقرار مغولان، مهاجرت هنرمندان و بافندگان ایرانی به دربار ممالیک و توسعه اولیه منسوجات ایرانی در آنجا و توسعه زری‌بافی در مصر و در ادامه صلح میان ایلخانان و ممالیک و به دنبال آن، تبادل هدایای سیاسی منجر به توسعه تأثیر منسوجات ایران بر منسوجات ممالیک مصر می‌گردد. در ادامه نیز توسعه تجارت میان مراکز تجاری بین‌المللی در این دو کشور، همچون قاهره در مصر و تبریز و گرگانج در ایران که محل اجماع تاجران و بازرگانان ایرانی، چینی، مصری و اروپایی بودند؛ این تأثیرپذیری را فزونی می‌بخشد.

در زمینه‌ی نقوش، افزایش نقوش ترنج، لوتوس، برگ نخلی‌ها و ابرهای چینی و حیوانات رو به هم، همچنین استفاده بیشتر از مدالیون‌های ترنجی، بادامی و اشکی شکل در نتیجه‌ی تأثیرپذیریِ منسوجات مملوک از منسوجات ایلخانی ایجاد گشتند. همچنین منسوجات مملوکان در ترکیب‌بندی‌های جدید، استفاده از قاب‌های منحنی و طاق رومی، استفاده از طرح‌های ساقه‌های تاک عمودی و منحنی، استفاده از مدالیون‌های اشکی، ترنجی، گل اناری و بادامی دارای تکرار یک دوم، تحت تأثیر منسوجات ایران ایلخانی قرار داشتند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Yuan ، دودمان مغولی حاکم بر چین بود که بین سال‌های ۱۲۷۱ تا ۱۳۶۸ م. بر چین فرمان می‌راند.

۲. نسیج (بافته)، نوعی از حریر زربفت

۳. نمونه تحقیقات کیفی در زمینه ارتباط تطبیقی منسوجات دو منطقه جغرافیایی، نظر به شواهد محدود منسوجات برجای مانده از ادوار تاریخی پیشین (به‌ویژه عدم برجای ماندن پارچه‌های لباس یا پارچه‌های مورد استفاده عموم مردم)، قصد و توانایی تبیین همه جانبه شکل‌گیریِ یک سنت پارچه‌بافی تحت تأثیر سنت دیگر مناطق را ندارد. از این‌رو پژوهش‌ها غیر قابل تعمیم بوده و تنها به بیان شواهد تأثیرپذیری محدود می‌گردند.

۴. Mamluks (به معنای برده) از بردگان سفید آسیایی ترک و چرکسی (Circassians/Cherkessk) محسوب می‌شدند که زادگاه اصلی آنان سرزمین قپچاق (Kipchak) و اطراف رود ولگا (Volga)در شمال دریای سیاه و قفقاز بود و بیشتر از سربازان سپاه صلاح‌الدین ایوبی (Saladin) بودند که از خانواده‌هایشان دزدیده و یا خریداری می‌شدند.

۵. سلسله بحری (که در دوره‌ی مد نظر این پژوهش، یعنی قرن هفت و هشت هجری/ سیزده و چهارده میلادی بر مصر و سوریه حکومت کردند) موفقیت بیشتری در حکومت داشت و در این دوره مصر و سوریه به لحاظ علمی، فرهنگی و هنری بسیار پیشرفته شدند (عبادی، ۱۳۸۹، ۱۸).

۶. عباسیان در قاهره، نوعی خلافت ظاهری داشتند و دلیل حمایت ممالیک از خلفای عباسی، اعتبار دادن به حکومتشان بود (کونل، ۱۳۴۷، ۱۲۷).

۷. جنگ و اتحاد ممالیک و مغولان آلتین اردو، بر ضد ایلخانان و همچنین جنگ حمص در ۱۲۸۱م. را باید از آن جمله دانست.

۸. ممالیک نقش واسطه بین شرق و غرب را ایفا می‌کردند. بیبرس که اهمیت راه تجاری دریای سرخ و تأثیر امنیت راه‌های داخلی را در شکوفایی تجارت به‌خوبی دریافته بود، برای استقرار امنیت، نقاط مرزی و بنادر مصر و شام را به‌طور دقیق و منظم کنترل می‌کرد. علاوه بر این بیبرس، با انعقاد معاهدات تجاری، تأسیس مراکز بازرگانی و ایجاد نمایندگی‌هایی برای صیانت از حقوق تجار و اتباع خارجی، زمینه حضور تجار را به مصر فراهم ساخت. ایجاد نیروی دریایی مقتدر و ساخت انواع کشتی جنگی با هدف حفظ سیادت دریایی ممالیک و تسهیل انتقال کالا نیز، از دیگر اقدامات بیبرس در جهت تأمین امنیت و حفاظت از این راه تجاری بود (بادکوپه هزاوه، تاج بخش، ۱۳۸۸، ۸۷).

۹. با آزاد شدن معامله زر و سیم، به فرمان خواجه رشیدالدین فضل‌الله، وزیر غازان خان، مقدار این دو فلز در سرزمین ایلخانی افزایش یافت؛ در نتیجه تولید پارچه‌های زربفت افزایش پیدا کرد.

۱۰. Sung، یکی از دودمان‌های حاکم بر چین بود که بین سال‌های ۹۶۰ تا ۱۲۷۹م. بر چین فرمان می‌راند.

۱۱. تصویر برگرفته از یک ردای سلجوقی قرن ۱۲ م. ایران است ، که در نمایشگاه موسسه هالی در آگوست ۲۰۱۵م. در موزه متروپولیتن نیویورک به نمایش گذارده شد:
http://www.imgrum.org/media/1289921569472337826_2709621320 (1395/10/07).

۱۲. قطعه ابریشم لمپاس، با ابعاد کلی ۲۶,۷ در۱۴ سانتیمتر، موزه هنر کلیولند، خریداری شده از بنیاد جی. اچ وید.

۱۳. این قطعه ابریشم زربفت، به مجموعه نادر خلیلی تعلق دارد.

۱۴. ابریشم بافت مرکب، قرمز زردچوبه‌ی، بلندی ترنجها ۸,۳ سلنتیمتر، متعلق به موزه هنرهای اسلامی برلین.

۱۵. ابریشم نقش برجسته با زمینه لاجوردی و پود طلا، ابعاد ۷۰ در ۲۷ سانتیمتر، خریداری شده از دوسنگیه، فرانسه، موزه ویکتوریا و آلبرت لندن (شماره ۱۸۹۴ – ۷۶۹)

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-24]

۱۶. ابریشم نقش برجسته، ابعاد ۴۷٫۵ در ۲۷ سانتیمتر، موزه هنر اسلامی برلین.
۱۷. ابریشم لمپاس، ابعاد کلی ۳۲٫۵ در ۲۰ سانتیمتر، یافته شده در ایتالیا، خریداری شده از بنیاد جی. اچ. وید.
۱۸. قطعه پارچه دارای ابعاد ۱۵ در ۷٫۵ سانتیمتر، ورود به آمریکا در ۱۹۵۴، متعلق به مجموعه ادگار لون:
http://edgarlowen.com/islamic-art.shtml(1395/10/07).
۱۹. Baalbek، یکی از شهرهای تاریخی کشور لبنان است که در دره بقاع و در شرق رود لیطانی واقع شده است.
۲۰. Alexandria، شهر بندری مهم مصر که به دستور اسکندر ساخته شد و در دوره بطلمیوسیان پایتخت بود.
۲۱. ابریشم لمپاس منتسب به سوریه با ابعاد ۲۹٫۸ سانتیمتر در ۴۰ سانتیمتر، با نقوش گریفین و طوطی که نشانگر نفوذ سبک‌های ایرانی در منطقه سوریه است.
۲۲. قطعه ابریشم منسوب به سوریه به ابعاد ۴۳ در ۴۴٫۵ سانتیمتر که نشان‌دهنده تأثیر هنرمندان ایرانی مهاجر در نتیجه حمله مغول به ایران است.
۲۳. قطعه‌ای از یک ردا به ابعاد ۵۱٫۴ در ۹۲٫۷ سانتیمتر با جمله «سلطان الملک، المؤید» که به احتمال زیاد در زمره قطعاتی است که در مصر برای سلاطین یمن تولید شده است.
۲۴. قطعه ابریشم پرزدار با تکنیک پیچیده دو پود به ابعاد ۲۰٫۸ در ۳۸٫۲، متعلق به مجموعه کریس ار. اسمیت، به نمایش گذارده شده در انستیتو هنر شیکاگو
۲۵. یک قطعه از ابریشم لمپاس به ابعاد ۵۴ در ۶۷ سانتیمتر. قطعات دیگری از این پارچه در موزه‌های مختلف وجود دارد.
۲۶. ابریشم با منشا مصر یا سوریه، با نوشته«عز المولانا سلطان».

منابع و مأخذ

منابع فارسی

بادکوبه هزاوه، احمد، تاج بخش، قدریه، (۱۳۸۸)، روابط بازرگانی آراگون و قشتاله با بیبرس و تحریم اقتصادی مصر از سوی پاپ، تاریخ تمدن اسلامی، ۵، ۱۰، ۱۰۶ – ۸۵.

بلر، شیلا، بلوم، جاناتان. ام، (۱۳۸۱)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه: اردشیر اشراقی، تهران: سروش.

بیکر، پاتریشیا، (۱۳۸۵)، منسوجات اسلامی، ترجمه: مهناز شایسته‌فر، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.

پرایس،کریستین، (۱۳۷۳)، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

پطروشفسکی ای، پی و بوبل جی . آ، (۱۳۸۵)، تاریخ ایران کمبریج، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی ایلخانیان، مترجم: حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.

پورجعفر، محمدرضا، محمودی، فتانه (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی پارچه های ساسانی و پارچه های مصری—قبطی. نقش مایه. ۱. ۱۸–۵.

محمد حسن، زکی، (۱۳۶۶)، تاریخ صنایع ایران(بعد از اسلام)، ترجمه: محمد علی خلیلی، تهران: نشر اقبال.

دیماند، س.م، (۱۳۸۰)، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه: عبدالله فریار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

رنج دوست، شبنم، (۱۳۸۷)، تاریخ لباس ایران، تهران: موسسه انتشاراتی جمال هنر.

روح‌فر، زهره، (۱۳۸۴)، پارچه‌بافی دوران ایلخانی، مطالعات هنر اسلامی ۲ (۳) . ۱۵۲ – ۱۴۳.

ـــــــــ (۱۳۹۲)، نگاهی بر پارچه بافی دوران اسلامی، تهران: سمت.

شبارو، عصام محمد، (۱۳۸۰)، دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آن در تاریخ اسلام، مترجم: شهلا بختیاری، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

طالب‌پور، فریده، (۱۳۹۲)، تاریخ پارچه و نساجی در ایران، تهران: دانشگاه الزهرا(س).

عبادی، مهدی، (۱۳۸۹)، نگاهی کوتاه به کارنامه دولت ممالیک، روزنامه رسالت، ۲۵، ۷۰۷۰، ۷.

فربود، فریناز، خزایی، محمد، رهنورد، زهرا، (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی منسوجات ایران دوره‌ی ایلخانی و منسوجات ایتالیا در قرون هفتم و هشتم هجری قمری/ سیزدهم و چهاردهم میلادی (از منظر طراحی نقوش)، هنرهای زیبا، ۳۶، ۱۲۲ – ۱۱۱.

فتحی، لیدا، فربود، فریناز، (۱۳۸۸) سیر تحول نقوش پرنده و موجودات اساطیری بالدار در منسوجات آل بویه و سلجوقی، نگره ۴ (۱۲)، ۵۲ –۴۱.

کونل، ارنست، (۱۳۴۷)، هنر اسلامی، ترجمه: هوشنگ طاهری، تهران: نشر مشعل آزادی.

ولایتی، علی اکبر، (۱۳۸۶)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (از رکود تا بیداری اسلامی)، جلد دوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

هاگدورن، آنت، ولف، نوربرت، (۱۳۹۴)، هنر اسلامی، ترجمه: صادق رشیدی و فاطمه رمضانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات .

منابع غیرفارسی

Beckwith, J, (1989), Studies in Byzantine and medieval Western art. Oakville: David Brown Book Company.

Eastman, A, (1932), Coptic Textiles. Parnassus, 4(2), 27-28.

Harris, J, (1993), 5000 years of Textiles. London: British Museum Press.

Jenkins, D, (2003), the Cambridge History of Western Textiles. Cambridge: Cambridge university press.

Komaroff, L. Carboni, S, (2002), the legacy of Genghis Khan: courtly art and culture in Western Asia, 1256-1353. New York: Metropolitan Museum of Art.

Lapidus, I.M, (1984), Mamluk Patronage and the Arts in Egypt: Concluding Remarks. Muqarnas, pp.173-181.

Mack, R.E, (2001), Bazaar to piazza. Berkeley: University of California Press.

Mackie, L.W, (1984), Toward an Understanding of Mamluk Silks: National and International Considerations. Muqarnas, pp.127-146.

Mackie, L. W, (2015), Symbols of power. The Cleveland Museum of Art. New Haven: Yale University Press.

Scanlon, G, (1987), the Middle East in the middle Ages: The Early Mamluk Sultanate, 1250–1382, by IrwinRobert. 180 pages, introduction, index. Southern Illinois University Press, Carbondale1986. Review of Middle East Studies, 21(1), pp.41-43.

Meri, Josef. W, (2006), Medieval Islamic civilization: A K. New York: Taylor & Francis.

Schoeser, M, (2007), Silk. Yale University Press.

Stilt, K, (2011), Islamic Law in Action: Authority, Discretion, and Everyday Experiences in Mamluk Egypt. Oxford: Oxford University Press.

Varadarajan, L, (2016), The Benaki Collection of Fustat Textiles-Analysis and Provenance. Indian Journal of History of Science, 51, pp.669-678.

Walker, B.J, (2000), Rethinking Mamluk Textiles. Mamluk Studies Review, 4, pp.167-195.

http://www.artic.edu/aic/collections/artwork/99500?search_no=2&index=2 (Retrived:1395/10/07)

http://www.clevelandart.org/art/1945.34 (Retrived: 1395/10/07)

http://www.clevelandart.org/art/1939.44 (Retrived: 1395/10/07)

http://collections.vam.ac.uk/item/O129376/woven-silk-unknown (Retrived: 1395/10/07)

http://collections.vam.ac.uk/item/O264758/woven-silk/ (Retrived: 1395/10/07)

http://edgarlowen.com/islamic-art.shtml (Retrived:1 395/10/07)

http://fibercopia.com/tag/iranian-textiles/(Retrived: 1395/10/07)

http://www.imgrum.org/media/1289921569472337826_27096 21320(Retrived:1395/10/07)

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-24]

http://www.metmuseum.org/art/collection/search/450735
(Retrived: 1395/10/07)
http://www.smb-digital.de/eMuseumPlus?Id=119011&view
(Retrived: 1395/10/07)
http://www.smb-digital.de/eMuseumPlus?Id=112031&view
(Retrived: 1395/10/07)
http://www.metmuseum.org/art/collection/search/445248
(Retrived:1395/10/07)
http://www.metmuseum.org/art/collection/search/450741
(Retrived:1395/10/07)
http://www.metmuseum.org/art/collection/search/448556
(Retrived:1395/10/07)

[Downloaded from jih-tabriziau.ir on 2026-11-24]